کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
فیلموتیک تاسیس ۱۳۴۲
۱۰۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شمارهٔ قفسه ۸۴۱۵
شماره ثبت کتاب

خطی - فهرست شده
۸۴۱۵

مجلس شورای ملی
تأسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب رساله به ولایت حجاز - دکتر الهی
مؤلف چند رقعه
موضوع
شمارهٔ ثبت کتاب ۷۶۴۹۸
شمارهٔ قفسه ~~۷۶۰۵~~
۸۴۱۵

خطی - فهرست نشده
۷۶۰۵

بازدید شد
۱۳۸۲

خطی - فهرست نشده
۷۶۰۵

خطی - فهرست نشده
۷۶۱۵

بسم الله تعالی شأنه العزیز

سالنامهٔ ولایت جلیلهٔ حجاز حاوی وقایع کثیرهٔ تاریخیه و مشتمل بر
معلومات نافعه مفیده ایست و بر هر مسلم ثابت العقیده معرفت
آن از الزم امورات ترجمهٔ این نسخه
علیمحمد ز روزنامه زوراد

سالنامهٔ ولایت حجاز

آفتاب جهانتاب اسلام که در یک لمحهٔ بصر شروق شعاعش نقش رواق آفاق را
روشن کرد و فروغ ضیائش ساحت این نه رواق ارژنگ گلشن
چه مانند برق درخشان بود که از میان ظلام شرک و ضلالت و غمام
قیرفام بت پرستی و جهالت که تمام آفاق را فرو گرفته بود یکدفعه
ساطع و درخشان گردید مشرق نور و مطلع ظهورش مکهٔ مکرمه بود
و مسقط الرأس حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم همین

بلد امین که قبل از آن به بطحا نامیده میشد
شهر مکهٔ معظمه در سمت غربی جزیرة العرب و در عرض بیست و یک
درجه و چهل و پنج دقیقه و طول هشتاد و هفت درجه واقع است
و این بلدهٔ مقدسه که کعبهٔ والا مقام و قبلهٔ اهل ایمان و اسلام را با
کمال توقیر و احترام در بر گرفته و محل تجلی جناب کبریا و او را
بر دیگر قری شرف و فخرها است لله است که از مبدأ آبادی
و عمران آن که قبیلهٔ (جرهم) ببعثت حضرت اسمعیل نبی علیه السلام
در آنجا توطن اختیار کردند شروع شد
بعد از ارتحال آن نبی جلیل یعنی اسمعیل بن خلیل ولایت کعبهٔ معظمه
بفرزند عالیمقام او (ثابت) بن اسمعیل رسید مگر پس از آنکه ثابت
در گذشت ولایت به مضاض بن عمرو الجرهمی منتقل شد و آنچه

خطی . فهرست
۲۱۱۵

ازکتب اخبار و سیر استنباط میشود قبیله جرهم تحت رایات
همین مضاض آمدند و شعبه دیگر از این قبیله که آنها را قطورا میگفتند
برفاقت و اتفاق سمیدع پسر عم مضاض از اطراف یمن
گرد آمده نیز رخت بمکه معظمه کشیدند جرهمیون در محلی مسمی به (قعیقعان)
و اطراف آن که واقع در طرف علیای بلده طیبه مکه بود مقام
گزیدند و سمیدع در محلی موسوم به اجیاد و نواحی آن که واقع
در جهت سفلای بلده شریفه بود توطن نمود پس اعشار ارزاقی
که از طرف شام و مشرق می آوردند مضاض استیفا مینمود
و رسوم آنچه از سمت غرب و اطراف یمن میرسید از آن سمیدع بود
بعد از مدتی فیما بین جرهم و قطورا منازعت سلطنت برخاست و چون
امر سدانت و ادارهٔ بیت معظم در دست مضاض و اتحاد اولاد اسمعیل

بالطبع

بالطبع با او بود هجوم و اقتحام بر جماعت قطورا نموده محاربه سخت در
میانه رفت و قبیله قطورا منهزم گردید سمیدع بقتل رسید و بقیة
السیف آنها خواهش صلح کرده در عقد مصالحه مقرر شده ولایت
و حکومت بلده طیبه منحصراً و مستقلا با مضاض باشد
مدت زمانی که از این مقدمه گذشت در اولاد اسمعیل علیه السلام کثرتی
بهم رسید محتاج بتوسیع حدود و مسکن خویش گردیدند لکن بواسطه اینکه
ولایت مکه مکرمه با خالوهای جرهمیین ایشان بود رعایت حق قرابت را
کرده اجتناب از محاربت و مخالفت آنها نمودند و خاطر خویش را از
طلب حقوق امارت فارغ ساخته مکه را به جرهمیین گذاشته بدیگر بلاد
و محال نقل و ارتحال نمودند و علاقه از موطن اصلی گسسته بسایر قبائل
و اجیال پیوستند لکن نظر باستقامت و ثبات قدم ایشان در طریق

حتی که جد اعلای ایشان غیر پیغمبر ذیشان همچه را برای آنها معین کرده
بود بهر کجا که میرفتند منقاد بودند و کافه قبایل طوایف عرب ایشان را انقیاد
مینمودند

اما جرهمیون بعد از مدتی در مکه مکرمه آغاز ظلم و طغیان نموده و هدایائی
که برای کعبه معظمه میرسید میربودند بدین سبب رفته رفته قوت
و تمکنشان بضعف و ذلت مبدل گردید و ارکان دولتشان خلل
یافت قبیله بنی بکر بن عبد مناة بن کنانه و قبیله غبشان از
خزاعه این عادات ضمیمه را مشاهده نموده مخاصمت و محاربه با جرهمیین را
کمر بستند و پس از محاربات کثیره بر آنها غلبه یافته ایشان را هزیمت
دادند و جرهمیین را دیگر نیروی مقاومت و روی اقامت در مکه نمانده
پس از انداختن و نهان ساختن دو هیکل آهو طلائیه تا آن زمان

در حرم

در حرم کعبه برده با حجر رکن البیت در چاه زمزم و سد کردن آن چاه فرارا
معاودت باطراف یمن نمودند بعد از بیرون رفتن جرهمیون
از مکه معظمه ولایت بیت الله بعهده عمرو بن الحارث الغبشانی که رئیس
قبیله مذکوره ریاست و حکمرانی داشت قرار گرفت و در آن اثنا
و احیان طایفه قریش متفرق و جماعتی از ایشان در نزد بنی کنانه
که قبیله خودشان بود میزیستند و امر حکومت بلده طیبه مکه را
اکابر و اعیان قبیله خزاعه متقلد بودند امیر ایشان خلیل بن سلول
ابن کعب بن عمرو الخزاعی کریمه خود حبّا را از برای قصی بن کلاب
تزویج کرد و از مشار الیها عبد مناف و عبد الدار و عبد العزی
متولد شدند و نسل شریف قصی در مکه معظمه زیاد گردید و در این
احیان خلیل بن حبشیه فوت نمود و چون قبیله قریش از نسل

اسمعیل علیه السلام بودند قصی با خود اندیشید که ایشان انسب بتولیت
بیت اولی و احق از دو قبیله خزاعه و بنی بکر هستند و اکابر
قریش و بنی کنانه را از چگونگی قصد و خیال خود آگاه ساخته همه رای
و فکرت او را نیکو شمردند و او را در اجرای این خیال بمعاونت از
جان و مال وعده دادند بنابرین قصی با برادر رضاعی خود زراح
بن ربیعه و هر که از قبیله عذره بود متفق شده و با قضاعه و سایر
قبایل نیز همدست گردید بمقابله خزاعه و بنی بکر قیام کرد و ایشان را
از مکه مکرمه اخراج نموده خود تولیت حرم محترم را متعهد شد و از بعد
خویش تفویض و واگذار باولاد خود کرد از پس این واقعه آثار
عمران در اطراف بیت الله ظهور یافت و اساس بلدیت بلد امین
محکم و متین گردید و روز بروز رو بآبادی گذاشت و اهالی آن از

شعوب

مجلس شورای ملی
تأسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

شعوب و قبایل مذکوره متشعب گردید گروهی انبوه شدند و تا
زمان سعادت اقتران حضرت سید انبیا که اشرف ازمان
بود چنان شد که بلده طیبه مکه در آبادی و عمران اشهر از اکثر بلدان
جزیرة العرب گردید و در اواخر سال ششم از هجرت نبویه
فیمابین حضرت فخر کائنات صلی الله علیه و آله و سلم و سهیل بن
عمرو سفیر قریش عقد معاهده شده از شروط و احکام آن
معاهده این بوده هر کس از قریش اراده دخول در سعادت تابعیت
حضرت ختمی مرتبت و استیجار در ملجاء رسالت نماید از طرف
کبرای قبیله قریش ممانعت نشود و همچنین هر که اراده پیوستن با قریش را
نماید از طرف قرین الشرف رسالت و ملاذ نبوت تعرضی نرود
بناء علی ذلک قبیله خزاعه بنیکبختانه در تحت لوای نبوت و ماوای رسالت

چنانکه بوده‌اند آرمیدند و قبیله بنی بکر نیز بتابعیت قریش باقی ماندند
پس از چندی ما بین این دو قبیله مشاجره قلیل ظاهر شده عداوت
و عنادی در میانه ایشان افتاد قبیله بکر نقض عهد را منتهز فرصتی
برای خونخواهی گردید تا بعد از مدتی از قریش استعانت و استمداد نمودند
و بر خزاعه قیام کرده از ایشان انتقام کشیدند چون این حرکت
و جسارت بنی بکر مخالف حکم معاهدت بود قبیله خزاعه بشکایت
برخاسته (عمرو بن سالم الخزاعی) را برسالت خدمت حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم گسیل کردند و در حینی که سید انام
با صحابه کرام تشریف فرمای مسجد شریف بود عمرو بن سالم به پیغمبر مکرم وارد
شده مسارعت در بیان حال نمود و مقالتی نظماً و جهراً آغاز کرد
رسول خدا ص ندا درداد که نصرت ترا است یا عمرو بن سالم و آگاه باش
کم

که ابوسفیان بن حرب از رؤسای قریش نیز برای ترضیه از این وقعه
و معذرت از جسارت بنی بکر و تجدید احکام عهدنامه رهسپار
مدینه گردیده است اما ابوسفیان که وارد مدینه شد بطور
مهمان بر دختر خویش ام حبیبه که از زوجات مطهره حضرت
رسالت پناهی بود نازل گردید قضای حاجت و انجاح مطلب خود را
از او معاونت خواهست لکن از طرف حضرت رسالت مشهد ابو
سفیان بدرجه قصوی رسید بی نیل مرام و مأیوساً بسوی قریش حرکت
کرده ایشان را از جنگ خوف و هول ساخت و در این اثنا حضرت
پیغمبر ص سفر مکه را تصمیم عزم فرموده مرکب مبارکش مهیا گشت گردید
(حاطب بن ابی بلتعه) از عزیمت سید انام و جنبش جیش اسلام قریش را
مکتوبی کرده بازنی از راه مکه داشت ولی پیغمبر ص بنا بر وحی آلهی

از این امر آگاهی یافته حضرت علی مرتضی علیه السلام را با زبیر بن العوام
از قفای آن زن روان فرموده او را در راه گرفتار و کتاب
حاطب را ماخوذ داشته باز پس نمودند این وقایع متقارن
با شهر رمضان از سال هشتم هجرت بود و در روز دهم این ماه موکب
رسالت پناه رایت ظفر آیت از مدینه منوره بیرون زده
با ده هزار سپاه متوجه مکه معظمه گردید و کلثوم بن حصین بن
عتبة بن خلف الغفاری را بمحافظت مدینه گذاشت در اثناء
قصد موکب رسالت بمحدّ مرسوم بعسفان عباس بن عبد المطلب عم آن
بزرگوار که از مکه عزم مهاجرت بصوب مدینه کرده بود بشرف
لقای پیغمبر صلعم نایل شده ملتزم حضور باهر النور آنحضرت گردید و از آنجا
موکب نبوت بوادی فاطمه نهضت فرمود عباس اندیشه کرد
که قریش

که قریش را از حرکت جیش رسالت خبری نیست و اگر غفلةً بر آنها
وارد شوند همه مضمحل و پراکنده خواهند شد لهذا از آنجا بجهة
اخبار قریش و اخطار ایشان بمردم اینکه طلب امان از پیغمبر نمایند
روانه مکه گردید در عرض طریق به ابوسفیان و حکیم بن حزام و
بدیل بن ورقا برخورده که از مکه معظمه بیرون آمده برای
تجسس و کشف احوال از طرف معسکر اسلام راه سپار بودند
عباس آنها را از حقیقت حال آگهی داده ابوسفیان از میان آنها
بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده طلب امان کرد چون
بامداد روز دیگر شد موکب فیروز حضرت سید انام از وادی فاطمه
بصوب بیت الله الحرام توجه فرموده به بئر طوی رسید نیمه
از عسکر که در جناح ایسر و تحت رایت زبیر بن العوام بود از

طرف اشجع بلده طیبه داخل شدند و نصف دیگر یعنی قبایل
اسلم و سلیم و غفار و مزینه و جهینه و سایر قبایلی که تحت زعامت
و رایت حضرت علی بن ابی طالب و سعد بن عباده و خالد بن
ولید بودند از طرف اعلی در ورود شهر نمودند و ذات مقدس
نبوی صلی الله علیه و آله و سلم با اصحاب کرام از شعب اذاخر
که در جهت حجون واقع است راه سپار گردیده شهر مکه را بتشریف
قدوم مبارک مشرف ساختند و در آن احیان معدودی از
جنود اسلام با شرذمه قلیل از کفار قریش (صفوان بن امیه
و عکرمة بن ابی جهل) و (سهیل بن عمرو) در جبل خندمه جمع
آورده نفیر درآویخته تقاتلی مابین فریقین روی داد که از سپاه
اسلام جز یک تن از جهینه کسی شهید نشد و از قریش

ده نفر

ده نفر بقتل رسیده بالجمله بعد از وقوع این فتح حضرت فخر کاینات
(عتاب بن اسید) را که عنقریب در ذیل بیان حکومت او
خواهد شد بولایت مکه معظمه منصوب و برقرار فرموده معاودت
بمدینه منوره نمود

از زمانی که بلده شریفه بطحا بحوزه حکومت حضرت سید الانبیا
داخل شد روز بروز رو به آبادی و وسعت گذاشت چنانکه قاعده طبیعیه
جمیع بلادی که داخل در حوزه ولایت و تحت حمایت حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله همه همین است و الان این
بلده طیبه مشتمل بر سی هزار باب خانه و یکصد و ده هزار نفر است
پس اگر رجوع شود بآثار نفیسه گرانبهای این بلده مبارکه که ارباب سیر
متون تواریخ خود را بذکر و تحریر آن بالکمال مباهات زینت داده اند

از زمان تاسیس آن تا عهد خلافت این سلطان جلیل الشان عبد الحمید خان
عثمانی که مغبوط همه اعصار و قرون است می بینیم که مواهب و عطایای
الهیه درباره این بلده طاهره یک یک حاضر و آماده و فرد فرد
شمرده میشود و خدمت شریفه کعبه معظم و حرم محترم که برای وجوه
و اعیان امت محمدیه سرمایه فخر و مباهات است تشریف آن که بقامت
لیاقت آل عثمان کرامت شده و از نعماء خداوندیست که
عدیل و بدیل برای آن نیست

در واقع خانه کعبه معظمه را چندان شرافت مقام و جلالت قدر
نیست که توصیف آید حتی عبده اصنام در رگ ضلالت مقام آنرا
کرده و به تقدیس در باقیه بودند که بر ضعیف اقدس و اشرف ارکان
یافت نمیشود که لایق از برای وضع ابتوهو آنها که جا بجای خود در افکند

آن میکردند باشد

سایر سلاطین دول اسلام هم که مباهی بخدمت شریف بیت الحرام
بودند اگرچه تقصیر در تقدیس آن نمی نمودند لکن سلاطین آل
عثمان که زینت بخش اورنگ خلافت شدند هر یک از ایشان
همای همت را بر خدمت پرواز داده مانند ملائکه قدس
ساحت بیت الله ذو الجلال البته بال فرو گرفتند چنانکه
بناهای کعبه معظمه که الآن در وجود حضرت معبود روز تو جهان
بدان است یادگار افتخار و سرمایه مباهات برای مجدد آن
سلطان مراد خان چهارم است که فرع عز از فروع این دوحه شریفه
بجهته اینکه خانه کعبه معظمه را که در دفعه چهارم حضرت ابراهیم
علیه السلام بامر خدای تعالی بنا فرمود تجدید و مرمت آن اخیرا

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

بدست طایفهٔ عمالقه گردید پس از آن در دفعهٔ سادس قبیلهٔ
جرهم انشاء بناء کعبهٔ معظم را نموده و سعادت تجدید آن نیز
برای شخص شریف قصی بن کلاب میسر گردیده از اجداد حضرت
سید کائنات بود

دستورالعملی که مأمورین ترکستان این شرح را از [illegible] امیرالامراء العظام سپهسالار [illegible]

قرار بدهند سپهدار ترکستان قشون را باید خود [illegible] ترتیب بدهند و حرکت نمایند تا ترکستان قشون

اطلاع داده شود که اگر لازم شود ترکستان هم حرکت کنند ممکن باشد و کفایت کنند سالار [illegible] روانه خواهد شد

بعد دیگر را ارتش کابینه و قورخانه و [illegible] سپاه سپهدار [illegible] ترکستان [illegible]

از تهیه سپهدار آدم [illegible] از سپهسالار که روانه ترکستان شود دستورالعمل [illegible] ترکستان اول این

اولاً مأموریت مخصوص [illegible] برای [illegible] شاهزاده خانم و کوچ [illegible] شاهزاده خانم [illegible]

نیز [illegible] مردم [illegible] کار ندارم [illegible] شاهزاده خانم [illegible] سردار [illegible]

برهم و در نیابت سپهسالار [illegible] حاجی محمد صالح خان لاریجانی [illegible] آقای که شاهزاده خانم را

رسمی و جوانی با کمال احترام روانه نمایند که [illegible] تا ساری [illegible] محمد صالح خان

و [illegible] تاج محمد خان [illegible]

[illegible] سردار علیخان [illegible]

[illegible] دولت [illegible] سپهسالار [illegible] کار [illegible]

[illegible] تاج محمد خان [illegible]

[illegible] دولت [illegible] سردار [illegible] دولت [illegible] طهران [illegible]

[illegible] دولت علیه باشد [illegible]

[illegible] تاج محمد خان [illegible] اول [illegible]

امیدوار باشد و خود را مشمول احکام قانون و طبق سایر ولایات ایران بداند و چشم و گوش ...

امیدوار باشد و هیچ ... عزل از ... نخواهد شد و ... ایشان دویم ...

و جمیع ... ایران ...

... ایران ... سیم ...

... قاتل و دزدی ... و اگر ... اطاعت ... شود

... باشد ... چهارم ...

و چنانچه ... سردار ... قرار ... باشد و تغییر کند

پنجم سردار علیخان قرار ... که ...

و اسباب ... از دیوان ... شوند ... اعلیحضرت ...

مجلس شورای ملی
تأسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

برادر کتابچه [illegible]

رسماً که از ایران [illegible] حشمت الدوله [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] الدوله [illegible] رسید [illegible] خط [illegible]
[illegible] در باب [illegible] که [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] الامرا [illegible] حضرت [illegible] سردار [illegible]
[illegible] که [illegible] ایران [illegible]
[illegible] امرای [illegible] ممکن [illegible] نظر [illegible] فقیر [illegible]
که [illegible] حضرات [illegible]
[illegible] ممکن [illegible] سردار [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] سردار [illegible]
[illegible] که [illegible] احکام [illegible]
[illegible] سردار [illegible]
[illegible] که [illegible]

[illegible] ممنوع [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] سردار [illegible]
[illegible] سرحد [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] ایران [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] ایران [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اگر [illegible]
[illegible] ایران [illegible] اگر [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] ایران [illegible] که [illegible]
[illegible] سردار [illegible]
[illegible] اگر [illegible] سردار [illegible]

برده بحکومت [illegible] شد قرارنامه رسمی هرات سپردند
[illegible] کلام [illegible] که ابدا التفاتی [illegible] [illegible] و الحال [illegible]
بر این مراحل اطمینان داریم که سردار سعید [illegible] [illegible] که از آن
[illegible] الحضرت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سردار سعید [illegible] آن قرار [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حال استقلال
حکومت سردار که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سردار سعید
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سر راه
[illegible] [illegible] [illegible] هرات [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] سردار سعید [illegible] هرات [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] سردار سعید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] امرا [illegible] سردار سعید [illegible]
سابقه که [illegible] الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
هرات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اینروزها بشدت چنین است که ... در طهران ... از ... حالا کاملاً ... در بازی

معهذا پندارم فقره راه آهن زاده اند و در انقلابات روزنامه رسیده اید
البته همه اوقات از تفصیل او مطلع شده اند و روزگارها هر شهر روزنامه
ده نوع انقلابات به ما برسد هر شب که خطر آن نرسد

مجلس شورای ملی
تأسیس ۱۳۰۲

رقعه خط شیخ علی محمد

برادر کاغذ چند فقره در باب ... که در این روزها در خطر افتاده ... به تفصیل ...
حالت سردار ... بود که این اوقات در جلوی ... حالا ... عمده احوال
دارد و با خط سلاطین سردار ... دارد هر چه در این روزها ...
حرف ... بود ... که ... حقوق ... دارد در صدق ... اظهار ...
ولی این ... را ... در ... شخص معلوم دارد که ... که سردار ...
دارد در ... در ... مقام ... او از ... رابطه در ...
که ... محتاج ... که ... ما ...
این ... و ... سلطنت ... دارد و ... است ...
بعد ... رابطه ... که ... در ... عمل ...
... از رابطه ها ... است که محتاج ...
این کار ... دارد ... اعتراض دارد اگر ...
البته ... در ... آن ... اگر سردار ...
بکمک ... اوقات ... که ...
اگر ... سردار ... معلوم است که ... اتفاق دارد
... که ... در ... ادارم ...
اول ... و حکم ... دارد ... لازم ... بشنبه ... سردار

احمد خان و محمد کریم خان و مظفر الدوله و نصر الله خان [illegible] هستند

که سردار احمد خان هم هرات [illegible] رفت و مسودات [illegible]

معلوم نیست بفرمایند که متحد و متفق هستند [illegible] العظیم [illegible]

که رشته [illegible] در باطن در دولت ایران [illegible] هستند که [illegible]

[illegible] نماید که [illegible] در [illegible] انقلاب

حالت سردار معلوم نیست و هر چه [illegible] روز [illegible] که [illegible]

[illegible] سردار [illegible] با خود [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] که [illegible] از [illegible] [illegible]

[illegible] معلوم [illegible]

[illegible] که [illegible] که [illegible]

[illegible] اما [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] معلوم نبود که سردار [illegible] اعلیحضرت [illegible]

روانه قندهار [illegible] در باب [illegible] سردار [illegible] محمد خان که [illegible] قندهار

[illegible] در [illegible] معلوم نبود که [illegible]

محمد خان [illegible] دولت [illegible] که [illegible]

[illegible] محمد خان [illegible] که [illegible]

[illegible] محمد خان [illegible] که سردار [illegible] قندهار [illegible]

در باب [illegible] که [illegible] دیگر [illegible] داده [illegible]

[illegible] سردار [illegible] هرات [illegible] داده [illegible]

[illegible] داده [illegible] است [illegible] شعبان [illegible]

[illegible] که [illegible] السلطنه [illegible] هرات [illegible] داد [illegible]

که [illegible] استقلال [illegible] که

هرات رفته و در [illegible] سردار [illegible]

که [illegible] سکه و خطبه [illegible]

[illegible] سردار [illegible] است

[illegible] پنجشنبه [illegible]

سواد خط [illegible]

این روزها بعضی شنیدات که رسید از اطراف خراسان [illegible] در صحبت این مطلب [illegible] سردار
[illegible] که بسیار حقیقت نیست و بعضی آنچه ما درک کردیم که سردار معزی الیه [illegible]
ما در این عقیده شده و صدق و کذب این مطلب معلوم نشد که ما این [illegible]
[illegible] و ما هم [illegible] این [illegible] جمع این مطلب را [illegible]
و کذب آن معلوم نشد و [illegible] در [illegible] این فقره [illegible]
اطلاع [illegible] این حرف از سردار معزی الیه [illegible]
و این حرف [illegible] که [illegible] در [illegible]
سردار معزی الیه در مجلس [illegible] این [illegible] مطلب که [illegible]
[illegible] هیچ [illegible] صحبت [illegible]
که این خطبه [illegible] حالت [illegible] که سردار
[illegible] دارند [illegible] که [illegible]
[illegible] که سردار معزی الیه [illegible]
[illegible] و حالت [illegible] و اگر [illegible] سردار
معزی الیه [illegible] سردار [illegible]
[illegible] که سردار معزی الیه [illegible]
[illegible] که سردار معزی الیه [illegible]
[illegible] خطبه [illegible] خطبه [illegible]

از همه [illegible] آنچه [illegible] نوشته [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] صدق [illegible] که این سردار معزی الیه [illegible]
که [illegible] خطبه [illegible] حالت [illegible]
و خطبه [illegible] سردار معزی الیه [illegible]
[illegible]
[illegible] این حرف [illegible] سردار معزی الیه [illegible]
[illegible] حالت [illegible] این مطلب [illegible]
صدق [illegible] صدق و کذب آن معلوم نشد

برحسب وجیه داده شود و مال‌العم که در سنوات گذشته از زمستان داده شود حالا که با مردم آذربایجان ازین بری

وحشت شده و متعاقب آن شده که بهیچ نوع برقرار باشد همین شرایط برقرار باشد و تعهد شهر ... ق

سوارشان در رکاب مبارک حاضر شود هر قدر حاضر کنند بلا مانع است و در وقت حاضر شدن جیره سواران از دیوان اعلی

داده شود   ششم در تخصیص سوار جهت برای دولت لازم شود شرط اینکه سردار عشایر باشد و چون امر

هر وقت ضرور شود تاج محمدخان خودش با جمعیت و کمک شاهی هر جا حکم شود بدون تأمل و تعلل روانه شود

که رجوع شود اقدام نماید   هفتم هر وقت مقتضی باشد سردار تاج محمدخان لازم است به رکاب مبارک سایر

احضار کنند بلا عذر در رکاب مبارک بیاید و مورد الطاف ملوکانه شود   هشتم همیشه کمک و کرد ... ات

را با سواره لشکر ... ضرورت در آنجا نگاه دارد و ... آنها را در ایام توقف

نهم صورت ... جمع و خرج سیستان و جزو جمع دهات ایلات ... را به فرمانفرمایی کلیه

مجلس شورای ملی
تأسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

که ثبت شده و هم معلوم است نصف شب جمیع مردم اطلاع داشتند لکن ابداً هم مایل نبودند

در خط هرات و دو جانب بعد از این کار از چیزی نیستند سه چهار نفر در قلعه سردار علیخان هستند و شاید از جهت اهتمام

رخصتی خواسته از سردار تاج محمد خان گرفته بروند همین بود که لکن جهتی نیست بهانه است اصلحی ندارند و متفق نیست

که البته رأی و حقیقت کار با الا از آن است در روز پنجم و سه شنبه عبارت اول

دارفرار محمد صالح خان بوده است که تاج محمد خان نامع از اهل و آن اهل شاه الله نبوده اند خالی

از روی ثبت با توکری و خدمت دولت تمیز از شهر کنند که نظام دارد با بسیار و طمع مال اگر اطراف بلکه زیاد است

خدمت دولت را منظور ساخته جواب است که سردار علیخان خدمات خود را شکر کرده و حقوق رکاب همین است این

التفات در حق او شد اگر سردار تاج محمد خان هم خدمات خود را اظهار ساخت و صدق و اراده دارد

در نظر هر دو برادر الحمد لله مبارک رکاب آمد معلوم است برادران در حق او هم التفات و مرحمت شاهانه شده

وارفته از که معلوم بشود اهالی سیستان از سه روز تماشا شده در این صورت لعل خان کمتر

ولکن دو باب سه روز در آنجا ضرورت گشت و ملبوس و تعلیمات را باشد از قرار لعل شده لکن

برای اطمینان آنها محمد صالح خان و ترتیب و ملا در آنجا نشسته شبی را دارد تا لکن سرکار آمده جز اینکه

کسانی دیگر زرکی اقدام نمایند و محمد صالح خان نزد سپهسالار و میر علیم خان و سردار سلطان احمد خان

از سه طرف با جمعیت و استعداد حرکت کرده آن حدود را گرفته کار تمام نمایند بهیچ حکم نمانده است دعای خیر

و اما که ماشاء الله بمقتضی رسیدن اخبار برای شما آنها حرکت نمایند

مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه

[illegible]

[illegible]

۵۲

و در حفظ هر یک ... کمال اطمینان حاصل است که ... با نهایت ... و اهتمام [illegible]

... کمال صدق و حقیقت در این کار ... خواهند نمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ان شاء الله ... مقصود [illegible]

اما شرط رابع که در گزارش کعبه [illegible] رسیده دخالت هرات [illegible] عمده [illegible] توجه [illegible] حضرت

[illegible] الله [illegible] علیه التحیه و الثنا [illegible] هرات [illegible] آن [illegible]

و [illegible] که [illegible] هرات [illegible] قبض [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] آغاز [illegible] هرات [illegible] در [illegible] قرض [illegible]

[illegible] اگر [illegible] آینه [illegible] چون [illegible]

و نتیجه آن [illegible] الله [illegible]

[illegible] بنا [illegible] آنحضرت [illegible] خارج [illegible]

شریعت [illegible] اگر [illegible] نظر [illegible]

[illegible] خصوص [illegible]

[illegible] و الده [illegible] هرات [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] که [illegible] آینه [illegible] آنکه [illegible]

که برای نواب [illegible] الله [illegible] گردد

[illegible] نواب والده [illegible] الدوله [illegible]

نواب [illegible] نواب [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] والده [illegible] که [illegible]

در کار [illegible] حضرت [illegible] که [illegible]

آنچه را که [illegible] هرات [illegible]

غیر از آن افواج [illegible] هرات [illegible] مقدم

[illegible] الدوله

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] الله [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] الله [illegible] که [illegible]

[illegible] تمام [illegible] دیگر [illegible]

و الدولت [illegible] که نواب والده [illegible]

در باب کارهای [illegible] سرخس [illegible] در سرخس [illegible]

که [illegible] مشغول

[illegible] قلعه سرخس [illegible]

و دیگر [illegible] همراه [illegible]

قورخانه و توپخانه [illegible] بصیرت [illegible] فراهم [illegible]

پنجم و ششم ماه رجب که [illegible] انشاءالله تعالی [illegible]

و [illegible] سرخس [illegible]

از [illegible]

[illegible] سرخس [illegible]

در باب [illegible] سرخس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نواب [illegible]

[illegible] نواب [illegible]

[illegible]

[illegible] نواب [illegible]

[illegible] که نواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نواب [illegible]

[illegible] سرخس [illegible]

[illegible]

مجلس شورای ملی
کتابخانه

آنکه گفته شد که با همین اردو در مجلس بنده [illegible] فلان ... [illegible]

دفتر [illegible] که کار [illegible] [illegible] [illegible] ۲ [illegible] [illegible] که [illegible]

به اداره [illegible] مقدس [illegible] روز [illegible] در مجلس [illegible] گفته

جمع [illegible] [illegible] شده [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible]

که در این [illegible] [illegible] حضرت امام [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] گرفته [illegible] که در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] شده که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

البته حالا در [illegible] است اگر در آن [illegible] قرار این مجلس [illegible] [illegible] کنند [illegible]

آن [illegible] در [illegible] [illegible] گرفته [illegible] است از این مجلس [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] مجلس [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مجلس شود که [illegible] در [illegible] [illegible] مجلس [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible] اگر کار آن [illegible] [illegible] [illegible]

شما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کار [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که در [illegible]

و [illegible] [illegible] اگر این کار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

این اوقات که [illegible] [illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] مجلس [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] که اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

اگر [illegible] در کار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] این [illegible] [illegible]

در باب [illegible] که [illegible] مجلس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] مجلس [illegible] [illegible] [illegible] که خاطر جمع [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible]

ممکن می‌شود با اردوی نواب والا حشمت الدوله روانه شد زیرا که در آنجا هم بعضی عملجات و اشخاص هست خود
بکار نمیخورند و هم بعضی زراعت و علیق و اشخاص قلعه بکار می‌آید اینست صورت بکار [illegible] خود
[illegible] هر قدر [illegible] از [illegible] که همراه اردوی نواب والا [illegible]
و معطل نمی‌گردد

در باب حالت قلعه سرخس که نوشته بودند منظور خصوصیات شهر [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] محصور [illegible] قلعه [illegible] و [illegible] آورده [illegible]
داشته باشد [illegible] که [illegible]
[illegible] محصور [illegible] نیز [illegible] همین [illegible] قلعه
در عرض [illegible] آمده [illegible] سرخس [illegible] که
[illegible] از [illegible] کفایت کند [illegible]
از جهة [illegible] سرخس [illegible] محفوظ باشد [illegible] آمده [illegible]
[illegible] کفایت [illegible] ۱۲۷۵